



## رام - بیت و یکم آذر

### شروین وکیلی

رام (روزشمار ایرانی معنادار) کوششی است برای بازسازی تقویم روزشماری معنادار برای ایرانیان، به شکلی که مناسبتها و سالگردهای منسوب به روزها عینیتی علمی داشته باشد و زمان روزمره و معنازوده‌ی امروزی که روزهایمان را پوچ و پوک ساخته را به توالی‌ای معنادار از سالگردِ رخدادهای معنادار تبدیل کند.

سه گوشزد در درباره‌ی طرح رام:

- (۱) تمام تاریخ‌هایی که شناسه‌ی میلادی (م.) یا پیشامیلادی (پ.م) ندارند به هجری خورشیدی محاسبه شده‌اند.
- (۲) محتوای روزشمار رام نهایی نیست و تا پایان سال ۱۳۹۶ تکمیل می‌شود. هنگام نقل آن به طرح ارجاع دهید و این نکته را در نظر داشته باشید.
- (۳) اگر مناسبتی سراغ دارید که نادیده مانده، آن را همراه با نشانی مرجعش در تلگرام برایم بفرستید که در این طرح گنجانده شود:

@SherwinVakili (<https://t.me/SherwinVakili>) / tel.0912-6363764

# بیست و یکم آذر



بیست و یکم آذرماه را می‌توان «روز جنگ صلیبی» نامگذاری کرد. چون در سال ششم هجری خورشیدی ارتش پنجاه هزار نفره‌ی بیزانس که زیر فرمان امپراتور روم هراکلیوس می‌جنگید و با آدابی مذهبی و در قالب جنگهای صلیبی بعدی به ایران زمین تاخته بود، در نزدیکی نینوا با یک سپاه به نسبت کوچک دوازده هزار نفره‌ی ایرانی روبرو شد. فرماندهی این سپاه پهلوانی ارمنی بود به نام رُچوهِان (روزبهان) که رومیان نامش را به صورت راهزاد (رازاتس) ثبت کرده‌اند. سپاهیان ایرانی دلیرانه با رومیان جنگیدند و به قیمت کشته شدن شش هزار تن راه پیشروی‌شان به سمت تیسفون را سد کردند. در اوج این نبرد روزبهان هراکلیوس را به نبرد تن به تن دعوت کرد. در برخی از منابع رومی چنین آمده که هراکلیوس او را در جنگ رویارو از پای در آورد، اما با توجه به رفتارهای دیگر امپراتور روم، بر می‌آید که این تبلیغی جنگی بوده و هراکلیوس که به ترس و گریز از میدان نبرد شهرت داشته، با سربازان پرشمارش پهلوان ایرانی را به قتل

رسانده باشد و نه با شمشیرش. هرچند ایرانیان در این نبرد شکست خوردند، اما رومیان را از پیشروی باز داشتند، در حدی که اردوی بازماندگان سپاه روزبهان نیز دست نخورده باقی ماند و رومیان نتوانستند آنجا را غارت کنند. هراکلیوس پس از این نبرد از پیشروی به سوی تیسفون منصرف شد و سر راه خود یکی از کاخهای خسرو پرویز به نام دستگرد (یعنی مزرعه‌ی سلطنتی) را غارت کرد و آن را فتحی بزرگ شمرد و به سمت شمال بازگشت.



دومین رخداد این روز که با جنگهای صلیبی مربوط می‌شود آن که در سال ۴۷۷ در جریان جنگهای صلیبی اول سپاهیان اروپایی به رهبری بوهموند شاه تارانتو و ریموند شاه تولوز پس از مدتی محاصره شهر مَعْرَه النُّعْمَان در سوریه‌ی امروز را فتح کردند. اهالی شهر که بیست هزار تن بودند پس از آن که انبوه سپاهیان صلیبی موفق شدند در حصار شهر رخنه کنند، با بوهموند وارد مذاکره شدند و قرارداد صلحی امضا کردند که بر مبنای آن شهر به فرنگی‌ها تسلیم شود و در مقابل مردم بدون گزند از آن خارج شوند. صلیبی‌ها بلافاصله پس از تسلیم شدند سربازان مسلمان به کشتار مردم شهر روی آوردند و همه‌ی بیست هزار شهروند معره را به قتل رساندند. بعد هم از آنجا که جمعیت‌شان خیلی زیاد بود و خوراک موجود در شهر برای تغذیه‌شان کافی نبود، به خوردن اهالی شهر روی آوردند! منابع اروپایی با شرم و احتمالاً کوچک‌نمایی این واقعه را ثبت کرده‌اند اما همان مقداری که روایت شده هم گزارشی وحشتناک و تکان دهنده است که نشان می‌دهد سربازان اروپایی مردان و زنان بالغ را تکه تکه کرده و در دیگ می‌پخته‌اند و کودکان را پوست کنده و روی نیزه‌هایشان کباب می‌کرده و برخی را هم نیم‌پخته می‌خورده‌اند!

سی و هفت سال بعد از این فاجعه در روز یکشنبه بیست و یکم آذرماه سال ۵۱۰ بدرالجمال ارمنی در میدان بازی به دست غلامی کشته شد و سرش را برای خلیفه بردند.



فریدون توللی



آخوند خراسانی



ناصرالملک

در دوران مشروطه روز جمعه بیست و یکم آذر سال ۱۲۸۶ (۸ ذیقعدة ۱۳۲۵ق) محمدعلی شاه اعضای کابینه‌ی ابوالقاسم خان قره‌گوزلو ناصرالملک را بازداشت کرد و کوشید وی را به قتل برساند اما با اعمال نفوذ انگلیسی‌ها از این کار بازماند و ناچار شد رهایش کند. در نتیجه به جای خشم خود را بر سر رجال مخالف دیگر خالی کرد و علاءالدوله را به چوب بسته و معین‌الدوله را زندانی کرد.

در چنین روزی به سال ۱۲۹۰ آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مجتهد بزرگ و صاحب کتاب کفایه الاصول زمانی که مشغول بسیج پیروانش برای ورود به ایران و دفاع از خاک کشور در برابر هجوم روسها بود، احتمالاً در اثر مسمومیت عمدی به طور ناگهانی درگذشت. مردم نجف و کربلا و سامره و تمام شهرهای ایران تعطیلی و عزای عمومی اعلام کردند و بازارها تا سه روز تعطیل بود.

ده سال بعد در ۱۳۰۰ نظام‌السلطنه حاکم جدید خراسان تنها با بیست سوار بختیاری وارد مشهد شد و برخلاف حکام دیگر از قبول هر نوع هدایائی خودداری کرد و به ساماندهی امور شهر همت گمارد. در ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی به تغییر سلطنت رای داد و به این ترتیب دودمان قاجار منقرض شد و سلسله‌ی

پهلوی جای آن را گرفت، و یک سال بعد در ۱۳۰۵ عبدالحسین تیمور تاش وزیر دربار که مدت چهار ماه برای ماموریت در روسیه به سر می برد وارد تهران شد.

در سال ۱۳۲۴ فرقه‌ی دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری در تبریز تشکیل «حکومت آذربایجان» را اعلان کرد، و درست یک سال بعد فراری شد و ارتش ایران که آذربایجان را از کمونیستها پس گرفته بود، انحلال دولت فرقه‌ای‌ها را اعلام کرد. هفت سال بعد (۱۳۳۱) شوروی‌ها بزرگترین حرکت تبلیغاتی‌شان را انجام دادند و کنگره صلح جهانی را با حضور ۱۷۰۰ نماینده از ۸۳ کشور در آلمان شرقی برگزار کردند (تصویر زیر). در این کنگره مشاهیری مانند ژان پل سارتر، شوستاکوویچ آهنگساز، ایلیا ارنبورگ ادیب، ریویرا نقاش، و سایر ادیبان هوادار کمونیسم مثل لویی آراگون، پابلو نرودا، ناظم حکمت و آرنولد تسوایک حضور داشتند. از ایران هم حسن کامشاد که در آن دوران عضو حزب توده بود به نمایندگی «خلق خوزستان» و با شعارهایی ایران‌ستیزانه و تجزیه‌طلبانه در آن برنامه شرکت کرد. هرچند بعدتر مثل بسیاری از روشنفکران دیگر از این شعارها و خط مشی رویگردان شد. یکی دیگر از کسانی که خیلی زودتر از وی چنین چرخشی



Quelle: Deutsche Fotothek

را نشان داده بود، فریدون توللی شاعر اثرگذار بود که در چنین روزی به سال ۱۳۵۱ در مجله‌ی نگین مقاله‌ای نوشت و به نیما یوشیج تاخت و نوشتارهای او را از دایره‌ی شعر پارسی بیرون دانست.



این روز در تاریخ معاصر چین هم اهمیتی داشته است. در سال ۱۲۹۴ یوان‌شی‌کای رئیس جمهور چین در تقابل با قوای سنت‌گرای چینی که پشتیبان دربار بودند، خود را امپراتور چین نامید! در ۱۳۱۵ هم دو تن از رهبران حزب کومین‌تانگ به نام ژانگ شوئه‌لیانگ و یانگ هوچنگ در شهر شیان رهبر دولت چین یعنی چیانگ‌کای‌شک را که در ضمن رهبر حزب خودشان هم بود (تصویر بالا)، ربودند! هدفشان هم این بود که او را وا دارند تا با حزب کمونیست چین آشتی کند و در مقابل به نبرد با ژاپنی‌ها روی آورد. پس از دو هفته بحران در نهایت چیانگ‌کای‌شک با این قول که چین کند آزاد شد و به نان‌جینگ بازگشت.

در سال ۱۳۱۸ فنلاندی‌ها در نبرد تولوایروی (Tolvajärvi) نخستین پیروزی بزرگ خود را بر ارتش مهاجم شوروی به دست آوردند، در ۱۳۲۰ انگلستان به بلغارستان و رومانی اعلان جنگ داد و از آن سو دولت استعماری حاکم بر هند به ژاپن که با شعار آزادسازی مستعمرات به سوی هند پیشروی می‌کرد اعلان جنگ داد، و در ۱۳۴۲ کنیا از انگلستان استقلال یافت. یک سال بعد (۱۳۴۳) هم جومو کِنیاتا که پیشتر نخست وزیر کنیا بود، اولین رئیس جمهور این کشور شد. در ۱۳۵۸ انگلستان بار دیگر کنترل مستعمره‌ی آفریقایی زیمباوه را در دست گرفت و نام استعماری‌اش یعنی رودزیای جنوبی را به آن برچسب زد، و در ۱۳۷۰ فدراسیون روسیه در حرکتی تناقض‌آمیز از اتحاد جماهیر شوروی اعلام استقلال کرد!



جرج پنجم

جنگ زمستانی روس و فنلاند

یوان شی‌کای

بیست و یکم آذرماه در تاریخ تحول شهرها هم اثرگذار بوده است. چون در ۱۲۷۶ اولین شهر دارای نقشه و طراحی منظم به نام بلو هوریزونته در برزیل ساخته شد، و در ۱۲۹۰ شهر کهنسال دهلی به جای کلکته که برساخته‌ی انگلیسی‌ها بود به عنوان پایتخت هند برگزیده شد، و همزمان جورج پنجم شاه انگلستان لقب امپراتور هند را هم به خود داد. در سال ۱۱۶۶ هم ایالت پنسیلوانیا پنج روز پس از دلاوار قانون اساسی کشور نوتاسیس آمریکا را پذیرفت و بخشی از این کشور شد.

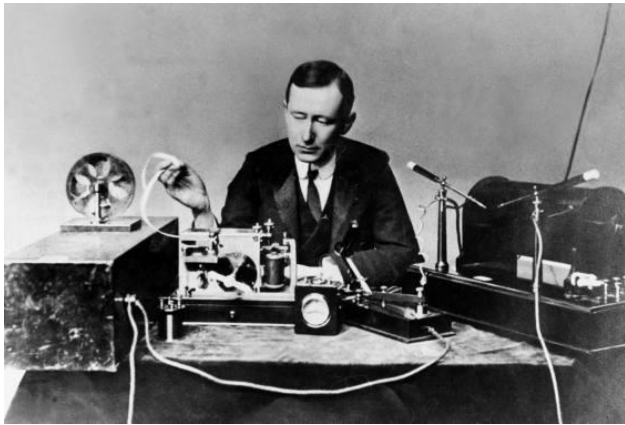
رخداد دیگر این روز آن که در سال ۱۳۱۴ برنامه‌ی بهنژادی Lebensborn (چشمه‌ی حیات) در آلمان با رهبری هیملر اجرایی شد. بر اساس این طرح دولت بچه‌دار شدن افرادی که نماینده‌ی نژاد آریایی بودند پشتیبانی می‌کرد، ضرورت‌های حقوقی درباره‌ی معلوم بودن هویت پدر را تعلیق می‌کرد و برای زنان آریایی بارداری که شوهر نداشتند مسکن و مستمری برقرار می‌کرد و پرورش و آموزش کودکان رده‌بندی شده زیر این عنوان را بر عهده می‌گرفت. بسیاری از این کودکان از سرزمین‌های اشغال شده‌ی لهستان و چکسلواکی و روسیه به آلمان فرستاده می‌شدند. در کل بیست هزار کودک به این ترتیب زاده و پرورده شدند.



برنامه‌ی بهنژادی

در آلمام

از زمره‌ی رخدادهای پراکنده‌ی دیگر این روز یکی آن که در سال ۱۲۸۰ گویلمو مارگنی اولین پیام رادیویی بی‌سیم را از آنسوی اقیانوس آتلانتیک دریافت کرد، که علامت S بنا به رمز مورس بود. دیگر آن که در ۱۳۲۹ پائولا آکرمن اولین ربی یهودی زن در آمریکا شد و در ۱۳۵۸ هم ضیاءالحلق نخست وزیر پاکستان به فیزیکدان پاکستانی دکتر عبدالسلام نشان امتیاز اعطا کرد.



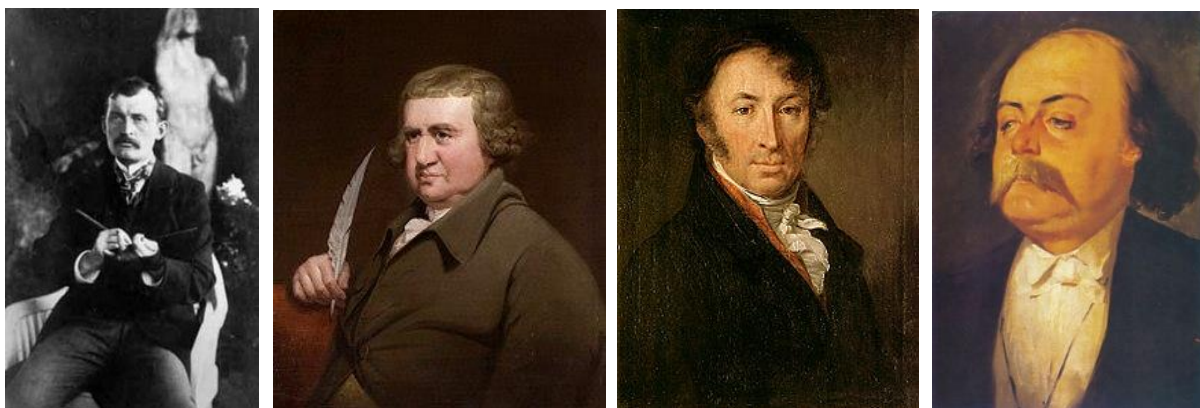
نیکولای مارگنی



صادق طباطبایی

حیدر علیف





ادوارد مونک

اراسموس داروین

نیکولای کارمزین

گوستاو فلوربر

سه شخصیتی که در تاریخ معاصر ایران زمین در بیست و یکم آذرماه زاده شده‌اند شباهتی در شخصیت دارند و از زاویه‌ای خاص نقشی همسان در تاریخ معاصر تمدن‌مان ایفا کردند. اینان عبارت بودند از تولد احمد شاملو (۱۳۰۴)، چنگیز آیت‌ماتوف دیپلمات بلشویک و نویسنده‌ی قرقیز (۱۳۰۷)، و صادق طباطبایی (۱۳۲۲). سلطان سلیم دوم عثمانی (۹۵۳)، مهدی میراشرافی افسر سلطنت‌طلب ایرانی (۱۳۵۸)، و حیدر علیف (۱۳۸۲) رئیس جمهور آران (جمهوری آذربایجان) هم که از همان زاویه شباهتهایی دیگر به ایشان دارند، در این روز در گذشته‌اند. مهدی میراشرافی همان کسی بود که روز ۲۸ مرداد خبر سرنگونی دکتر مصدق را از رادیو اعلام کرد و پس از انقلاب اعدامش کردند، و حیدر علیف از ماموران عالیرتبه‌ی کاگ ب در آذربایجان بود و در دوران شوروی‌ها مهره‌ی روسها برای سرکوب آزادیخواهان و روشنفکران این قلمرو محسوب می‌شد. پس از فروپاشی شوروی هم در قالب رئیس جمهور همان روند را ادامه داد. در میانه‌ی این اشخاص یک فیلسوف برجسته هم در خارج از قلمرو جغرافیایی ایران زمین اما متصل به فرهنگ آن به چشم می‌خورد که ابن میمون فیلسوف اندلسی است که به سال ۵۳۸ درگذشت.

در میان وابستگان به سایر تمدنها زادگان نامدار این روز عبارتند از: اراسموس داروین (۱۱۱۰) پدربزرگ داروین مشهور که خود شاعر و طبیعی‌دان نامداری بود، نیکولای کارامزین مورخ و شاعر روس

(۱۱۴۵)، گوستاو فلویر ادیب فرانسوی (۱۲۰۰)، و ادوارد مونک نقاش نروژی (۱۲۴۲). منلیک دوم امپراتور

اتیوپی (۱۲۹۲) و بدریک هرورزی شرق شناس چک (۱۳۳۱) هم در این روز درگذشته‌اند.



ابن میمون اندلسی



منلیک دوم حبشی